

یادداشت

تحلیلی بر ساختار ذی نفعان تحریم و پیامدهای آن بر اقتصاد ایران و منطقه

تحریم‌ها؛ پروژه‌های اقتصادی برای ذی نفعان داخلی و خارجی؟

فرشید فرزانتگان، رئیس سابق اتاق ایران و امارات؛ تحریم‌های اقتصادی ایران که بیش از چهار دهه است به اشکال مختلف اجرا شده، دیگر صرفا یک ابزار فشار بین‌المللی نیست، بلکه به یک اکوسیستم اقتصادی-سیاسی تبدیل شده است که در آن نه‌تنها کشورهای اعمال‌کننده تحریم، بلکه طیفی از ذی نفعان داخلی و خارجی نیز به سودآوری از آن مشغول‌اند. از این‌رو، نمی‌توان تحریم را صرفا یک مقوله سیاست خارجی دانست، بلکه این پدیده در ساختار سیاست داخلی، اقتصاد غیرشفاف و حتی توسعه کشورهای همسایه نیز نقش کلیدی بازی کرده است. این یادداشت تلاش دارد با تحلیل سازوکار این ذی نفعان، به این پرسش پاسخ دهد که آیا ادامه تحریم‌ها نتیجه‌های محتمول است یا آنکه بقای آن به دلیل منافع‌ی است که گروه‌های خاصی در داخل و خارج از ایران از آن بهره‌مند می‌شوند و آیا لغو تحریم‌ها، بدون اصلاحات ساختاری، می‌تواند ایران را از این چرخه معیوب خارج کند؟

اقتصاد ذی نفعان چگونه سیاست را شکل می‌دهد؟

در تحلیل‌های کلاسیک اقتصادی، فرض بر این است که سیاست‌گذاری اقتصادی تابعی از اصول اقتصادی و منافع ملی است، اما در واقعیت، اقتصاد ذی‌نفعان (Stakeholder Economy) تعیین‌کننده‌اصلی تصمیمات کلان است؛ به این معنا که منافع گروه‌های خاص، به‌جای ملاحظات کلان اقتصادی بر سیاست‌گذاری اثر می‌گذارد. در ایران، سیاست خارجی و حتی بخشی از سیاست داخلی، تحت‌تأثیر منافع گروه‌های ذی‌نفعی قرار دارد که از وضعیت فعلی (تحریم‌ها) سود می‌برند. این گروه‌ها ممکن است در سطوح مختلف حکمرانی، تجارت و حتی اقتصاد غیررسمی فعال باشند و تلاش کنند تا ندادوم تحریم‌ها را نه یک تهدید، بلکه یک فرصت اقتصادی ببینند.

ذی نفعان داخلی و خارجی تحریم‌ها؛ چه کسانی از آن سود می‌برند؟

۱. ذی نفعان داخلی؛ تحریم، انحصار و فساد پنهان

در داخل ایران، تحریم‌ها نه‌تنها برخی بخش‌های اقتصادی را محدود کرده، بلکه هم‌زمان زمینه‌ساز یک اقتصاد غیرشفاف و انحصاری شده است که در آن، گروه‌های خاصی با استفاده از مسیرهای غیررسمی و رانتی، تجارت خارجی را در دست گرفته‌اند.

این ذی نفعان داخلی را می‌توان در چند دسته کلی جای داد:

• **نهادهای اقتصادی انحصاری:** برخی از نهادهای اقتصادی و تجاری که دسترسی ویژه‌ای به منابع و مسیرهای تجاری دارند، از تحریم‌ها به‌عنوان ابزاری برای حذف رقبا و ایجاد انحصار استفاده کرده‌اند.

• **واسطه‌ها و دلالان:** تحریم، تحریم‌ها موجب شده است بسیاری از معاملات تجاری ایران از مسیرهای غیررسمی، صرافی‌ها و واسطه‌های شخصی انجام شود. این فرایند، علاوه بر افزایش هزینه‌های تجارت، زمینه‌ای برای فساد و سودجویی گسترده برخی افراد فراهم کرده است.

• **کنترل‌کنندگان اقتصاد سایه:** تحریم‌ها باعث شده‌اند که بخش‌هایی از اقتصاد ایران به زیرزمین اقتصاد جهانی منتقل شوند؛ جایی که مسیرهای غیررسمی، شبکه‌های مالی غیرشفاف و جریان‌های غیررسمی پول و کالا حرف اول را می‌زنند.

۲. ذی نفعان خارجی؛ کشورهای منطقه و سودی که از تحریم‌ها برده‌اند

برخلاف تصور رایج، تحریم‌ها تنها به ضرر ایران نبوده، بلکه برای برخی کشورهای منطقه، یک فرصت اقتصادی طلایی ایجاد کرده است. کشورهایی که در سال‌های اخیر به قطب‌های اقتصادی خاورمیانه تبدیل شده‌اند، در موارد زیادی به واسطه تحریم‌های ایران و تبدیل‌شدن به هاب‌های تجاری ایران، رشد اقتصادی داشته‌اند.

به چند نمونه از این ذی نفعان خارجی توجه کنیم:

• **امارات:** دومی به دلیل تحریم‌ها به یکی از مهم‌ترین هاب‌های تجاری ایران تبدیل شد. بسیاری از کالاهای مورد نیاز ایران از طریق دومی وارد شده یا صادرات ایران از طریق این مسیر انجام شده است.

• **ترکیه:** ترکیه از طریق مسیری برای تجارت غیررسمی ایران و همچنین بازار انرژی، یکی از ذی نفعان اصلی تحریم‌ها بوده است.

• **عراق و افغانستان:** این کشورها به دلیل تحریم، به بازارهای کلیدی صادرات ایران تبدیل شدند، اما در عین حال، جایگزین‌هایی برای برخی تولیدات ایرانی در بازارهای جهانی شدند.

• **قطر و عربستان:** در صنایع کلیدی مانند انرژی و پتروشیمی، این کشورها از محدودیت‌های ایران برای جذب سرمایه‌گذاری‌های جایگزین استفاده کردند.

نتیجه روشن است: تحریم‌ها به‌جای اینکه تنها ایران را منزوی کنند، موجب رشد اقتصادی برخی کشورهای منطقه نیز شده‌اند.

اگر تحریم‌ها لغو شوند، چه اتفاقی می‌افتد؟

فرض کنیم که تحریم‌ها لغو شوند؛ آیا این به معنی بهبود خودکار اقتصاد ایران خواهد بود؟ پاسخ به این سؤال به نحوه مواجهه ایران با این شرایط بستگی دارد.

سناریوی مثبت: رشد اقتصادی و احیای جایگاه ایران

در صورتی که ایران با لغو تحریم‌ها، مسیر اصلاحات اقتصادی و افزایش شفافیت را در پیش بگیرد، می‌تواند سهم خود را در بازارهای منطقه‌ای و جهانی افزایش دهد. در این صورت، کشورهای که تاکنون از تحریم‌های ایران بهره می‌برند، ممکن است با یک رقیب قدرتمند روبه‌رو شوند.

سناریوی منفی: ادامه ساختارهای غیرشفاف و اقتصاد سایه

اما اگر لغو تحریم‌ها بدون اصلاحات ساختاری صورت گیرد، تنها مسیر تجارت تغییر خواهد کرد، ولی ماهیت مشکلات اقتصادی ایران پابرجا خواهد ماند. در این صورت، بازیگران ذی نفع داخلی همچنان بر مسیرهای غیررسمی تجارت کنترل خواهند داشت و ایران از فرصت‌های بین‌المللی خود بهره کافی نخواهد برد.

آیا در داخل ایران اراده‌ای برای لغو تحریم‌ها وجود دارد؟

یکی از سؤالات کلیدی این است که آیا در داخل ایران انگیزه کافی برای رفع تحریم‌ها وجود دارد؟

برخی شواهد نشان می‌دهد که:

• برخی نهادها و گروه‌های اقتصادی که از تحریم سود می‌برند، ممکن است در برابر رفع آن مقاومت کنند.

• رانت ناشی از تحریم‌ها موجب شده است برخی افراد و نهادها به این وضعیت وابسته شوند.

• لغو تحریم‌ها بدون اصلاحات ممکن است به نفع گروه‌هایی باشد که می‌خواهند همچنان کنترل اقتصادی را در دست داشته باشند.

بنابراین، لغو تحریم‌ها به یک تصمیم صرفا سیاسی در عرصه بین‌المللی محدود نمی‌شود، بلکه یک چالش داخلی نیز محسوب می‌شود.

جمع‌بندی: راهکار خروج از اقتصاد تحریمی چیست؟

تحریم‌های ایران نه‌تنها یک ابزار فشار خارجی، بلکه یک پروژه اقتصادی برای برخی ذی نفعان داخلی و خارجی است. راه خروج از این وضعیت نه فقط در لغو تحریم‌ها، بلکه در تغییر ساختارهای اقتصادی و سیاست‌های توسعه‌ای کشور نهفته است:

- اصلاح ساختارهای اقتصادی داخلی برای کاهش رانت و فساد
- افزایش شفافیت تجاری برای مقابله با اقتصاد سایه
- تنوع‌بخشی به روابط اقتصادی تا ایران از مدل «وابسته به واسطه‌ها» خارج شود
- تدوین سیاست‌های توسعه‌محور که بتواند جایگاه ایران را در منطقه بازتعریف کند.
- لغو تحریم‌ها تنها یک گام است، اما اصلاحات ساختاری، گامی ضروری‌تر برای آینده ایران خواهد بود.

خاموشی گران قیمت

۳۰ هزار مگاوات انرژی تجدیدپذیر رؤیا نیست، سراب است



مهدی عرب‌صادق

تحلیلگر حوزه انرژی

بر اساس مطالعات بانک جهانی هر یک درصد خاموشی (Cost of Unserved Energy)، بین ۰.۱ تا ۰.۳ درصد از GDP می‌کاهد؛ اما میانگین انرژی برق تأمین‌نشده در کشور سه درصد است. بر این اساس تخمین متوسط کاهش GDP ما با توجه به بارانه‌های هنگفت انرژی حدود ۰.۹ درصد است و این معادل چهار میلیارد دلار از ۴۶۰ میلیارد تولید ناخالص داخلی کل است. این خسارت واقعی سالانه خاموشی است. البته ناگفته نماند نفس این میزان مصرف یعنی ۳۸۰ تراوات ساعت مطلقا تناسبی با سهم ایران در شاخص GDP ندارد. سهم ایران در شاخص GDP دنیا ۰.۳۸ درصد است.

مصرف برق در کشور ما یک‌ونیم درصد کل دنیااست که البته جای بحث بسیار دارد؛ این هم از راندمان پایین و تلفات بالا در سمت تولید و همچنین در سمت مصرف است و هم به پرمصرفی ایرانی‌ها برمی‌گردد.

شوربوختانه علاوه بر راندمان پایین نیروگاه‌ها، بیش از ۴۰ تراوات ساعت تلفات شبکه توزیع و انتقال تخمین زده می‌شود که خود این معضل بزرگی است که جای بحث بسیار دارد. اما با رویکرد دیگری هم می‌توان به تحلیل هزینه و آثار سنگین خاموشی بر اقتصاد پرداخت، در این تحلیل، نوع مصرف‌کننده (مسکونی، کشاورزی، صنعتی و تجاری) اهمیت دارد.

همچنین مدت‌زمان خاموشی، زمان وقوع (اوج مصرف یا غیرواچ) و تأثیرات اقتصادی غیرمستقیم تابع همبستگی ما را تشکیل می‌دهد. اولین روش، «ارزش بار از دست‌رفته» (Value of Lost Load - VoLL) است؛ متداول‌ترین شیوه برای برآورد هزینه خاموشی که بر اساس زبان اقتصادی ناشی از قطع برق محاسبه می‌شود. اما با توجه به اینکه در کشور ما سیستم‌های پایش اقتصادی هوشمند نیستند و نمی‌توان به خوداظهاری‌ها اتکا کرد، در این مجال از آن می‌گذریم.

روش دوم که روش علمی و دقیق‌تری است و در ابتدای این یادداشت بر آن تاکید داشتیم، بر مبنای شاخص‌های اقتصاد کلان (بر پایه GDP) است. در این روش ابتدا سهم برق در تولید ناخالص داخلی (GDP) محاسبه می‌شود:

بر اساس GDP ایران به میزان ۴۶۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ و مصرف برق کل حدود ۳۸۰ تراوات ساعتی، هزینه هر کیلووات ساعت خاموشی ۱.۲ دلار خواهد شد. اگر انرژی تأمین‌نشده معادل سه درصد انرژی کل در سال

شرق



در تمام حوزه‌های انرژی، با تکیه بر اصل پاسخ‌گویی و هم‌گرایی، مسائل تقنین در این حوزه و اصلاح قیمت‌ها را دنبال کنند. بدیهی است پس از آن است که شکاف تولید و مصرف انرژی اصلاح می‌رود. نکته آخر که امیدوارم آقای رئیس‌جمهور بشوند، این است که رویکرد رؤیایی ۳۰ هزار مگاوات انرژی تجدیدپذیر، سراب است و نتیجه آن اتلاف بیش از ۳۰ میلیارد دلار منابع ملی است برای نیروگاه‌هایی که بیش از ۲۵ درصد بهره‌وری ندارند و درواقع مناسب تأمین بار پایه نه در ایران بلکه در هیچ کجای دنیا نیست.

برخلاف آنچه ادعا می‌شود، در این نیروگاه‌ها احتساب ضریب تأثیر و ضریب بهره‌برداری مربوطه به‌آزای هر

مگاوات به‌صورت غیرمستقیم بیش از دو میلیون دلار اعتبار می‌طلبد و این در حالی است که ارتقای نیروگاه‌های

ارتقای از واحدهای گازی موجود به واحدهای سیکل ترکیبی در حدود ۲۰۰ هزار دلار برای هر مگاوات اعتبار می‌طلبد و از طرفی تولید برق پایدار دارند و برای واحدهای وارد مدارشده به‌صورت سیکل ترکیبی نیازی به مصرف گاز وجود ندارد.

البته منوط بر این است که چه در انرژی تجدیدپذیر و چه انرژی حرارتی توجه ویژه‌ای به توسعه شبکه داشته باشید؛ چراکه توسعه شبکه انتقال، حسب ماهیت فنی آن و گستردگی مسیر توسعه، فرایندی است بسیار هزینه‌بر، طاقت‌فرسا، زمان‌بر و پرحاشیه و پر از موانع حقوقی مثل معارضات خطوط انتقال و ...

آقای رئیس‌جمهور، رفع ناترازی از طریق انرژی تجدیدپذیر سراب است، رؤیا نیست. توسعه، اصول تخصصی و فنی دارد و با هیجان‌های مسئولان، از بحران موجود به فاجعه خواهیم رسید.

بسته های جادویی کتاب حامی

سه، پنج، ده

تکنیک جادویی کتاب حامی است!

انجمن حامی در کنار شماست، تا با غم‌ها و شادی‌هایتان یک اثر جاودانه خلق کنید!

برای دریافت اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید:

تلفن: ۰۲۱۸۸۱۴۱۶۴۹ (داخلی ۱۱۰- کارگروه کتابخانه)

من یک حامی هستم

hamiassociation.org

@hami_association

Tel: ۰۲۱-۸۸۱۴۱۶۴۹

۰۲۱-۸۸۸۴۳۸۹۷

انجمن حامی حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی